

ضرورت واژه سازی در زبان فارسی

الهام ناجی میدانی^۱

مهناز اسفندیاری^۲

چکیده

یکی از موضوعات مهم در حوزه ی واژگان هر زبان خلأ واژگانی است. خلأ واژگانی که به نظریه ی نسبیت زبانی مرتبط است، به کمبود واژگان در هنگام ترجمه از زبانی به زبان دیگر می پردازد. مقاله ی حاضر شیوه هایی که مترجمان فارسی زبان در هنگام ترجمه ی متون ادبی از زبان های خارجی به زبان فارسی به کار می برند را مورد بحث قرار داده است که عبارت اند از: استفاده از عین کلمه بیگانه با حروف فارسی، پیدا کردن معادل فارسی توسط خود مترجم و توضیح دادن کلمه. با توجه به امکان ورود عناصر زبانی و فرهنگی خارجی به زبان فارسی از این طریق، ضرورت واژه سازی در زبان فارسی احساس می شود. در نهایت راهکارهایی جهت ساختن معادل فارسی برای پر کردن این خلأ واژگانی ارائه شده است.

واژگان کلیدی: خلأ واژگانی، زبان فارسی، زبان های خارجی، واژه سازی، ترجمه

۱. مقدمه

از دیدگاه علم زبان شناسی مقابله ای^۳، هر زبان ویژگی های خاصی از لحاظ ساختاری و واژگانی دارد. این خصوصیات دلیل بر برتری زبان ها نسبت به یک دیگر نیست، بلکه به بافت تاریخی، اجتماعی و فرهنگی هر زبان مربوط می شود^۴ در عصر ارتباطات امروز، که زبان ها مدام در تماس با یک دیگر قرار می گیرند، شباهت ها و تفاوت های میان آن ها بیش تر مورد توجه قرار می گیرد. می توان گفت حوزه ای که در آن بیش تر از همه این تقابل ها لمس می شود، ترجمه است.

یکی از مشکلات موجود برای دانشجویان زبان های خارجه در ترجمه به فارسی غنی نبودن واژگان این زبان در مواجهه با زبان های بیگانه است. زبان فارسی با وجود قدمت چندین هزار ساله به هنگام ترجمه از زبان های دیگر دچار کمبود واژگان می شود. این مسأله موجب ورود واژگان بیگانه به زبان فارسی شده است که هم در زبان گفتاری روزمره و هم در زبان نوشتاری، به خصوص در متن های ترجمه شده از زبان های دیگر به زبان فارسی اتفاق افتاده است. با توجه به این که استفاده از کلمات بیگانه می تواند برتری آن زبان را در ذهن ها تداعی کند و به تدریج استفاده از آن زبان را به نشانه ی فرهنگ بالاتر و یا "پرستیژ اجتماعی" تبدیل کند، اهمیت این موضوع را نباید نادیده گرفت. با توجه به خلأ واژگانی موجود در زبان فارسی و امکان ورود عناصر فرهنگ بیگانه به زبان فارسی از طریق همین مقوله ضرورت واژه سازی در زبان فارسی ایجاد می شود.

^۱ دانشجوی دکتری آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه فردوسی مشهد، elhanaji@gmail.com

^۲ کارشناس ارشد ادبیات فرانسه، دانشگاه شهید بهشتی تهران، esfandiyari_mahnaz@yahoo.com

^۳ Contrastive linguistics

^۴ James, 1980

در این مقاله ابتدا به موضوع خلأ واژگانی^۱ در زبان شناسی می پردازیم، و ارتباط آن را با نظریه ی نسبیت زبانی^۲ بررسی می کنیم. سپس به شیوه های واژه سازی به کار برده شده توسط مترجمین پرداخته می شود. در نهایت راه کارهایی برای بهبود وضعیت موجود ارائه خواهد شد.

۲. پیشینه

۲.۱. خلأ واژگانی

پیشینه ی موجود در علم زبان شناسی مقابله ای نشان می دهد که در مواقعی که دو زبان، یکی مبدأ و دیگری هدف وجود دارد، چهار نوع واگرایی بین آن دو زبان می تواند وجود داشته باشد:^۳

۱. واگرایی ساختاری: ساختار زبان مبدأ با ساختار زبان هدف در ترجمه متفاوت است. برای مثال، ساختار جمله در زبان انگلیسی به صورت فاعل-فعل-مفعول است، در حالی که در زبان فارسی ساختار جمله فاعل-مفعول-فعل است.

۲. واگرایی واژگانی: در این نوع واگرایی، زبان مبدأ و زبان هدف یک مفهوم را به صورت های متفاوت (واژه یا ترکیبی از واژگان) ارائه می دهند؛ یا این که یکی از زبان ها واژه ی معادل ندارد. در این جاست که خلأ واژگانی رخ می دهد.

۳. واگرایی در بار معنایی: واژه ی معادل در زبان هدف نمی تواند تمام جزئیات معنایی در واژه ی موجود در زبان مبدأ را منتقل کند.

۴. واگرایی در معنی واژه: معنای واژه در زبان هدف تنها با بخشی از معنای آن در زبان مبدأ هم پوشانی دارد.

از نظر علم زبان شناسی خلأ واژگانی بین هر دو زبانی می تواند رخ دهد.^۴ در اکثر مواقع مترجمین از ترکیب آزاد واژگان استفاده می کنند.^۵ در ترکیب آزاد، واژگان زبان مقصد با پیروی از ساختار آن زبان، در کنار یک دیگر قرار می گیرند و منظور یک واژه در زبان مبدأ را می رسانند. یکی از متداول ترین روش ها برای یافتن خلأ واژگانی استفاده از رایانه است.^۶ در این روش با به کار بردن لغت نامه ای مورد تأیید از هر دو زبان مبدأ و مقصد خلأ واژگانی بین آن دو زبان به صورت کمی بررسی می شود. در مواقعی که خلأ واژگانی وجود دارد، روش های برای واژه سازی به کارگرفته می شود که می توان به این موارد اشاره کرد:^۷ ساختن واژگان بر اساس نحوه ی کار آن ها، بر اساس شکل ظاهری شیء که به آن اشاره می شود و یا تشابه شیء به شیء دیگر در طبیعت، و خلاصه سازی بدین معنا که حروف اول کلمات مورد نظر را گرفته و آن ها را به هم می چسبانند تا واژه ای تازه ساخته شود.

www.Anjomanfarsi.ir

۲.۲. نظریه ی نسبیت زبانی

یکی از نظریه های بنیادین در حوزه ی واژگان نظریه ی نسبیت زبانی است که نخستین بار توسط دو فرد به

¹ Lexical gap

² Linguistic relativity

³ Fromkin, Rodman & Hyams , 2003

⁴ James , 1980

⁵ Cowie, 11981

⁶ Bentivogli & Pianta, 2000

نام های ادوارد ساپیر^۱ و بنجامین ورف^۲ در اوایل قرن بیستم میلادی در ایالات متحده امریکا ارائه شد. ساپیر و ورف عقیده داشتند که کاربرد و یا عدم کاربرد صورت های خاصی در هر زبان تنها به دلیل گرایش های کاربردی گویشوران آن زبان است و نه توانایی یا عدم توانایی آن زبان ها^۳. به طور کلی، نظریه ی ساپیر- ورف را می توان در دو اصل ذیل خلاصه کرد^۴:

۱. تفاوت های ساختاری بین دو زبان مطابق با تفاوت های شناختی غیر زبانی بین گویشوران آن دو زبان است.

۲. ساختار زبان مادری هر فرد بر جهان بینی او تأثیر می گذارد. بنابراین، دو مفهوم در این نظریه وجود دارد:

۱. جبر زبانی^۵: تفکر گویشوران یک زبان کاملاً تحت تأثیر زبانی است که بدان سخن می گویند^۶.
 ۲. نسبیت زبانی: زبانی که بدان صحبت می کنیم بر تفکر ما تأثیر می گذارد^۷.
- نظریه ی جبر زبانی به دلیل غیر منطقی بودن در همان ابتدا رد شد اما نظریه ی نسبیت زبانی هم چنان از اعتبار بالایی برخوردار است^۸. بر اساس این نظریه، واژگان یک زبان ارتباط کامل با تفکر گویشوران آن زبان دارد. برای مثال، در زبان اسکیموها چندین واژه برای برف وجود دارد که هر کدام بیان گر نوعی از برف است^۹. بنابراین، وقتی واژه ای را از زبانی دیگر وارد زبان فارسی می کنیم، در واقع نوعی تفکر و در سطوح بالاتر نوعی جهان بینی را وارد کرده ایم. البته در عصر ارتباطات امروز، ورود واژگان به زبانی دیگر امری ناگزیر است، اما چاره ای باید اندیشید تا این واژگان بومی سازی شوند.

۳. بحث و نتیجه گیری

در ترجمه از زبان های بیگانه به زبان فارسی مترجمین روش های متعددی در پیش می گیرند که در ادامه به بررسی آن ها در حوزه ی ادبیات می پردازیم:

۱- استفاده از عین کلمه بیگانه با حروف فارسی: گاه مترجم برای کلمه یا عبارت مورد نظر معادلی در لغت نامه فارسی نمی یابد از این رو کلمه را با حروف فارسی وارد متن ترجمه شده می کند و بدین شکل خطرایچ شدن واژه ای بیگانه در زبان فارسی وجود دارد. برای مثال واژه سمبولیسم^{۱۰} برای اولین بار از زبان فرانسه عیناً وارد زبان فارسی شد و امروزه به عنوان کلمه رایج در زبان فارسی استفاده می شود. این در حالی است که ترجمه فارسی آن (نماد گرایی) کمترآشناست و عبارت مکتب سمبولیسم برایمان ملموس تر از مکتب نماد گرایی است. چند مثال: بورلسک (نظیره سازی^{۱۱}) - کاتارسیس (روان پالایی^{۱۲}) - گزیستانسیالیسم (مکتب اصالت وجود^۱).

www.Anjomanfarsi.ir

¹ Edward Sapir
² Benjamin Whorf

^۳ ۱۳۷۶، مشکوه الدینی

⁴ Brown, 1976
⁵ Linguistic Determinism
⁶ Crystal, 2003
⁷ Lucy 1966

^۸ ر.ک. پیش قدم و قهاری، ۲۰۱۲

⁹ Yule, 2000
¹⁰ Symbolisme

^{۱۱} ۱۳۸۱، کهنمویی پور
^{۱۲} ۱۳۳۹، همایی

۲- پیدا کردن معادل فارسی توسط خود مترجم: برخی از مترجمین هنگامی که کلمه ای را در واژگان فارسی نمی یابند دست به واژه سازی^۱ می زنند. گاه ترجمه کلمه مورد نظر کاملاً واضح است و مترادفی در فارسی ندارد مانند کلمه **Blason** که علاوه بر وارد شدن عین کلمه به "نشان سلحشوری"^۳ نیز ترجمه شده است. اما گاهی معادل یافته شده دارای چندین مترادف است که با وجود کم و بیش صحیح بودن آن ها هیچ کدام معادل ثابت کلمه در فارسی نیستند و مترجمان به شکل سلیقه ای در مورد استفاده از آن کلمات عمل می کنند. برای مثال کلمه فرانسوی **Epithaphie** که در ترجمه های مختلف به تهنیت زفاف^۴، سرود عروسی و مبارک خوانی^۵ ترجمه شده است. مثال های بیشتر: **Grotesque** (عجایب نگاری^۶، زشت نگاری^۷، امر نابهنجار^۸) - **Hagiographie** (زندگینامه قدیسین، شهر احوال الاولیاء^۹، پارسا نامه^{۱۰}) - **Chronique** (مکان زمان مند^{۱۱})

۳- توضیح دادن کلمه: گروهی دیگر از مترجمان به جای معادل یابی کلمه را با حروف فارسی می نویسند و داخل پرانتز و یا در پاورقی در یک یا چند خط توضیح می دهند. این گونه کلمات نیز از حالت بیگانگی خارج شده و جزء کلمات فارسی می شوند. برای مثال مترجم کلمه **Naturalimse** را عیناً با حروف فارسی می نویسد و در توضیحات آن را مکتب معتقد به اصالت طبیعت معرفی می کند. مثالی دیگر: **turtle-neck** نوعی ژاکت یقه کیپ است که یقه آن از یقه گرد بلند تر بوده ولی مانند یقه اسکی برگردانده نمی شود.^{۱۲}

در این میان، در زبان گفتاری روزمره نیز واژگان متعددی از زبان های دیگر به خصوص زبان انگلیسی استفاده می شود. گروهی از این واژگان از طریق رسانه ها، به خصوص اینترنت، وارد زبان ما شده اند. واژگانی هم چون "لایک"، "دانلود"، "چت" و ... که در مکالمات روزمره مخصوصاً در میان نسل جوان به کار گرفته می شوند. استفاده برخی از واژگان خارجی نیز طوری عادی شده است که استفاده از واژه ی فارسی آن عجیب به نظر می رسد. به عنوان مثال، به نظر می آید واژه ی "کنسل" رایج تر از معادل فارسی آن، یعنی "لغو" یا "حذف" باشد. مسأله ی دیگری که مطرح می توان کرد بار اجتماعی استفاده از واژگان بیگانه در مکالمات روزمره است، به طوری که فردی که واژگان بیگانه به کار می برد، فرهیخته تر و به روز تر از فردی تلقی می شود که سعی می کند در حد امکان از واژگان فارسی استفاده کند. این مسأله ی بنیادی که ریشه ی فرهنگی دارد، موجب شده است که زحمات فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی آن طور که باید و شاید به بار ننشیند.

حال که به مشکلات موجود در این مقوله اشاره شد به بررسی راه کارهای ممکن می پردازیم. نخست این که کارگروه های مختلفی از متخصصین زبان های خارجه و زبان فارسی تشکیل شوند، مترجمین به محض برخورد با کلمه ای جدید با این کارگروه ها مشورت کرده و پس از به تصویب رسیدن ترجمه کلمه مذکور

^۲Néologisme

^۳ همان

^۴ همان

^۵ همان

^۶ همان

^۷ همان

^۸ همان

^۹ همان

^{۱۰} همان

^{۱۱} ۱۳۷۰، احمدی

^{۱۲} سرخابی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۰

توسط فرهنگستان زبان و ادب فارسی کلمه را وارد متن کرده و به چاپ برسانند. ناشرین و ویراستاران نیز در صورت برخورد با این گونه کلمات بر تغییر و معادل یابی آن ها پافشاری کنند. در واقع با بومی سازی واژگان هم به حفظ زبان فارسی می پردازیم و هم از فرهنگ ایرانی صیانت می کنیم.

دوم این که صرف فارغ التحصیل شدن از رشته های زبان های خارجه مجوزی بر مترجم بودن نیست. معضلی که اکنون در جامعه ما وجود دارد آشفته بازار ترجمه است یعنی برخی از افراد علی رغم تسلط به زبان دوم مترجمین خوبی نیستند زیرا هنوز در زبان مادری خود دچار مشکل هستند. بنابراین جای خالی آموزش کاربردی زبان فارسی در رشته های مترجمی احساس می شود.

سوم این که توصیه می شود برای دانشجویان رشته های مترجمی زبان های انگلیسی، فرانسه و دیگر زبان های خارجی چندین واحد زبان و ادبیات فارسی به عنوان دروس اصلی در نظر گرفته شود. در این جا نقش گروه های آموزشی زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه ها به عنوان تأمین کننده امکانات لازم پررنگ می شود و این امر مستلزم همکاری های بیش تر میان گروه های آموزشی زبان و ادبیات فارسی و گروه های آموزشی زبان های خارجی در دانشگاه هاست.

در نهایت، برای ترویج استفاده از واژگان بومی شده لازم است فرهنگ سازی صورت گیرد. علاوه بر رسانه ی ملی، متخصصین زبان های فارسی و زبان های خارجی می بایست در گفتار و نوشتار خود دقت لازم را مبذول کنند. مخصوصا اساتید و دانشجویان زبان های خارجی باید سعی کنند در هنگام ارتباط به زبان فارسی، واژگان خارجی به کار نبرند.

منابع فارسی

- احمدی، ب. (۱۳۷۰) ساختار و تاویل متن. جلد ۲. تهران، نشر مرکز.
 سرخابی، م. (۱۳۸۱) جملات کلیدی زبان انگلیسی. تهران، انتشارات رهنما.
 کهنمویی پور، ژ. و دیگران (۱۳۸۱). فرهنگ توصیفی نقد ادبی (فرانسه - فارسی). انتشارات دانشگاه تهران.
 مجده، ا. (۱۳۹۰). روش های ساخت لغات و اصطلاحات علمی در زبان انگلیسی و تطبیق آن با ترجمه های فارسی. نشریه ی ادبیات تطبیقی، ۳ (۵)، ۲۳۹-۲۵۲.
 مشکوه الدینی، م. (۱۳۷۶). سیر زبانشناسی. مشهد، ایران: دانشگاه فردوسی مشهد.
 همایی، ج. (۱۳۳۹). فنون بلاغت و صناعات ادبی. موسسه مطبوعاتی علمی تهران.

منابع انگلیسی

- Bentivogli, L., Pianta, E., & Pianesi, F. (2000). Proceedings of Euralex 2000. Trento, Italy.
 Brown, R. (1976). In memorial tribute to Eric Lenneberg. *Cognition*, 4, 125-153.
 Cowie, A. P. (1981). The treatment of collocations and idioms in learner's dictionaries, *Applied Linguistics*, 2(3), 223-235.
 Crystal, D. (2003). *A dictionary of linguistics and phonetics* (5th ed.). USA: Blackwell Publishing.
 Fromkin, V., Rodman, R., & Hyams, N. (2003). *An introduction to language* (7th ed.). USA: Heinle.
 James, C. (1980). *Contrastive analysis*. UK: Longman Group.
 Lucy, J. A. (1996). The scope of linguistic relativity: An analysis and review of empirical research. In J.J. Gumperz & S.C. Levinson (Eds.), *Rethinking linguistic relativity*. Cambridge: Cambridge University Press.

Pishghadam, R., & Ghahari, Sh. (2012). *Fundamental concepts in applied linguistics: A reference book*. Tehran: Rahnama Publications.
Yule, G. (2000). *The study of language* (2nd ed.). Cambridge: Cambridge University Press.

منابع فرانسه

Rousset, J. *Forme et signification*, Corti, 1962



نخستین همایش آموزش زبان فارسی

[www. Anjomanfarsi.ir](http://www.Anjomanfarsi.ir)